

بررسی رابطه شرم با ابعاد خشم و مقایسه آن در

دانشجویان دانشگاه‌های تهران^۱

دکتر مه سیما پورشهریاری*

استادیار دانشگاه الزهراء (س)

چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه شرم با خشم، خصومت، پرخاشگری فیزیکی و کلامی در میان دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های تهران بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه‌های تهران در سال تحصیلی ۸۶ - ۸۵ بودند، که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای ۲۷۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. دو پرسشنامه عاطفه خودآگاه (Tosca) و پرسشنامه پرخاشگری باس‌وپری (۱۹۹۲) اجرا شد، که چهار بعد مختلف پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خصومت و خشم را بررسی می‌کند. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از نوع علی - مقایسه‌ای بود. رابطه بین شرم و ابعاد خشم و نیز تفاوت‌های جنسیتی در این هیجان‌ها با آزمون فرضیه‌هایی بررسی شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی، آزمون t و تحلیل واریانس استفاده شد. یافته‌ها نشان داد بین شرم و پرخاشگری فیزیکی، خصومت و خشم رابطه معناداری در هر دو جنس وجود دارد. در بررسی بین تفاوت‌های دو جنس یافته‌ها نشان می‌دهد بین پرخاشگری فیزیکی و شرم تفاوت‌ها معنادار است و زنان در مقایسه با مردان پرخاشگری خود را بیشتر به صورت کلامی بروز می‌دهند. در ضمن خصومت با تمامی متغیرهای در نظر گرفته شده به جز پرخاشگری کلامی رابطه مثبت معنادار داشت.

کلیدواژه‌ها:

شرم، پرخاشگری، خصومت، جنسیت

۱. طرح مصوب دانشگاه الزهراء (س).

مقدمه:

پژوهشگران و درمانگران همواره در تلاش بوده‌اند تا به شناسایی دقیق‌تر و درمان بهتر عوامل ایجاد کننده و تثبیت کننده آسیب‌ها در دنیای درون فردی و روابط میان فردی انسان‌ها اقدام کنند. در این میان پیروان مکاتب گوناگون در چهارچوب رویکردهای نظری خاص خود هر کدام در سبب‌شناسی آسیب‌ها بر عواملی گوناگون تأکید کرده و برای درمان این آسیب‌ها به روش‌هایی متنوع دست یافته‌اند (لانسکی^۱، ۲۰۰۵).

شرم، از جمله هیجان‌هایی است که با آسیب‌های فردی و میان فردی مرتبط است. انسان در دامنه‌ای از موقعیت‌های روزمره احساس شرم را تجربه می‌کند، چه از تجربه این احساس دردناک آگاه باشد و چه آن را به طور ناخودآگاه تجربه کند. هنگامی که عباراتی مانند احساس خجالت، پایین بودن عزت نفس، کم رویی، احساس مسخره بودن، خواری و خفت، دستپاچگی، رسوایی، ننگ، فضاحت، بدنامی، بی حرمتی، خرد شدن و بی آبرویی را استفاده می‌کنیم در واقع به نوعی، احساس شرم خود را بیان می‌کنیم (میلز^۲، ۲۰۰۵).

کافمن^۳ (۱۹۸۹) معتقد است وقتی به عنوان یک فرد، احساس بد بودن می‌کنیم در واقع احساس شرم را تجربه می‌کنیم. جیکابسون^۴ (۱۹۶۴) و وایت^۵ (۱۹۵۹) می‌گویند که احساس شرم هنگامی رخ می‌دهد که فرد خویشتن خود را بی کفایت و بی ارزش دانسته و خود را در چشم دیگران بی مقدار می‌بیند (به نقل از بار^۶، ۲۰۰۳). در بیان تفاوت احساس گناه و شرم می‌توان گفت: فرد هنگام احساس شرم تمامیت خود را زیر سؤال می‌برد، اما هنگام احساس گناه از یک رفتار خاص خود انتقاد می‌کند. شرم و احساس گناه وجوه مشترکی دارند و اغلب پیش می‌آید که این دو کلمه به جای هم به کار برده شوند، گرچه همه می‌توانند در صورت لزوم تفاوت‌های آنها را درک کنند (لويس^۷، ۱۹۷۱، تانگنی^۸ و همکاران، ۱۹۹۲).

-
1. Lansky
 2. Mills
 3. Kaufman
 4. Gicabson
 5. White
 6. Barr
 7. Lewis
 8. Tangney

زمانی که شرم احساس می‌شود فرد ممکن است به شیوه‌های گوناگون آن را از آگاهی خود براند. مثلاً شرم خود را پنهان کند یا توجه را از خود منحرف کند (فراموش کردن تجربه شرم). شرمی که احساس شده می‌تواند بر ادراک فرد اثر گذاشته، رفتار او را تغییر دهد یا تجربه او را مجدداً ارزشیابی کند، تا زمانی که شرم احساس و شناخته نشود، آشکار نمی‌شود، بلکه از آگاهی فرد رانده شده و هیجانی با شدت کمتر جایگزین آن می‌شود. خشم و غم به دلیل رابطه نزدیک با شرم، از عمده هیجانهایی هستند که جانشین شرم می‌شوند (گیلبرت و مایلز، ۲۰۰۰).

این مطلب در منابع بالینی و نظری پیشنهاد شده که شرم می‌تواند خشم را برانگیزد (تانگنی و همکاران، ۱۹۹۶). خشم نیز مانند شرم عاطفه یا هیجانی است که ابراز نامناسب یا به گفته تانگنی پاسخ مخرب به آن می‌تواند آسیب‌های فردی و میان فردی را برای افراد موجب شود. کنترل و ابراز سازگارانه خشم می‌تواند رفتاری مفید باشد، اما تجربه خشم به عنوان عاطفه یا هیجانی که بر وضعیت جسمی و روحی فرد مؤثر است به کنترل و آگاهی از این تجربه دردناک نیازمند است. بر این اساس شناخت عوامل زیربنایی یا مرتبط با ایجاد یا ابراز خشم، خصوصیت و پرخاشگری در کنترل و حرکت به سمت رفتار انطباقی و سازگارانه و به طور کلی مدیریت خشم مؤثر است.

خشم هیجانی جهان شمول است و در زمینه زندگی روزمره، افراد در همه سنین آن را تجربه می‌کنند، اما آنچه جهان شمول نیست، شیوه‌ای است که کودکان، نوجوانان و بزرگسالان احساسات خشم خود را ابراز و مدیریت می‌کنند. عده‌ای خشم خود را مستقیماً ابراز می‌کنند، عده‌ای تلاش می‌کنند آن را نادیده بگیرند، کوچک جلوه دهند، یا توجه خود را از خشم خود منحرف کنند، اما عده‌ای خشم خود را در مسیری سازنده سوق می‌دهند. آنها خشم را به شیوه‌ای بهتر تغییر می‌دهند، مثل باز کردن سر صحبت، حل تعارض، نظم بخشیدن به تفکر و ... خشم و پرخاشگری در همه فرهنگها دیده می‌شود و از شایعترین مشکلات رفتاری بوده که ناراحتی و پریشانی دیگران را موجب شده و بهداشت روانی جامعه را مختل می‌کند. این هیجان به عنوان یک مسأله بالینی با پیامدهای منفی بسیاری مانند رفتار پرخاشگرانه، خشونت خانوادگی، سوء مصرف مواد و مسائل جسمانی همراه است (رافضی، ۱۳۸۳).

همچنین روانشناسان بین خشم، پرخاشگری و خصومت نیز تفاوت قائل شده‌اند. خشم در واقع به نوعی عاطفه اشاره دارد و واکنش منفی به اشتیاقی است که فرد از آن مطلع است. خصومت نوعی نگرش است و به عبارتی دیگر آگاهی منفی درباره روابط میان افراد را نشان می‌دهد. از طرف دیگر پرخاشگری رفتاری مخرب و نوعی آزار رساندن یا قصد آزار رسانی به دیگران است (فلستن^۱، ۱۹۹۹).

میلر^۲ (۱۹۸۵) در مطالعات موردی خود دو نوع از تعاملات شرم-خشم را بررسی و تصحیح کرد. پس از بروز خشم فرد از این هیجان خود شرمگین می‌شود، اما اغلب اوقات حس ابتدایی شرم می‌تواند به صورت خشم به سوی دیگر افراد برگردد. در تسلسل شرم منجر به خشم، فرایند به گونه‌ای است که فرد در جهت کسب کنترل و به حرکت درآوردن خویشتن خود به سمت خشم و پرخاشگری می‌رود.

نتیجه این مطالعات و مشاهدات بالینی و موردی (لینستون^۳، ۱۹۸۷؛ ناتانسون^۴، ۱۹۸۷؛ رتزینگر^۵، ۱۹۸۷؛ شف^۶، ۱۹۸۷) می‌گوید شرم به جای مرتبط بودن با تکانه‌های خشم و پرخاشگری می‌تواند تحریک کننده و آغاز کننده حالت خشمی باشد که در واقع یک عکس العمل غیر منطقی و به طور کلی تدافعی است. در این تحقیقات به طور آشکار شرکت کننده‌های شرمگین، سطوح بالاتری از پرخاشگری را نشان دادند (به نقل از تانگنی و همکاران، ۱۹۹۶، ۱۹۹۲).

اغلب احساس شرمساری افراد با تجاربی از خشم و خصومت همراه است. این افراد به دلیل سبک رفتاری که باعث ابهام در احساس ارزشمندی آنها می‌شود، نسبت به خود خشمگین هستند. چنین احساسهایی به طور مکرر به بیرون، به طرف دیگران و کسی جهت‌دهی می‌شود که شرمساری آنها را سبب شده است. افرادی که شرمساری را تجربه می‌کنند متوجه این حقیقت هستند که میل به ابراز خشم نسبت به دیگران و سرزنش ایشان، به لحاظ احساسات نامطبوع خود آنها افزایش می‌یابد (مختاری، ۱۳۸۰).

-
1. Felston
 2. Miller
 3. Linston
 4. Natanson
 5. Restzinger
 6. Scheff

به موضوع شرم، در منابع وسیع مرتبط با پرخاشگری، به طور واضح توجه نشده است، اما نتایج بررسی‌های گوناگون دلالت بر آن دارد. در بسیاری از مطالعات ناکامی - پرخاشگری، برای مثال (برکوویتز^۱، ۱۹۸۹) ناکامی فی نفسه یا مستقیماً به پرخاشگری منجر نشده است، بلکه ناکامی مرتبط با تحریک شدن نابجا و دردناک است، این رخداد اغلب در احساس‌های حقارت و خجالت ابراز می‌شوند، که کلمه‌های معادل شرم هستند.

تحقیقات انجام شده درخصوص بروز خشم نشان می‌دهد که تعدادی از افراد به طور ویژه به عنوان درون ریزنده خشم و عده‌ای به عنوان برون ریزنده خشم طبقه‌بندی می‌شوند. درحالت درون ریزنده خشم فرد به سرکوب آن تمایل دارد، ولی در حالت برون ریزنده افراد تمایل دارند خشم خود را به طرف اشخاص یا اشیاء در محیط بروز دهند. این نوع خشم می‌تواند به صورت فیزیکی یا کلامی ظاهر شود (اسپیلبرگر^۲، ۱۹۹۱).

احتمالاً مستقیم‌ترین شواهد تجربی راجع به رابطه شرم با خشم از مطالعات آوریل (۱۹۸۲)، ویکر^۳ و همکاران (۱۹۸۳)، هاردر و لویس^۴ (۱۹۸۶) و تانگنی (۱۹۹۲) ناشی می‌شود. در مطالعات آوریل، تجارب خشم آزمودنی‌ها نشان داد که علت معمول خشم، فقدان افتخار و سربلندی فردی یا فقدان عزت نفس است. در مطالعه ویکر و همکاران (۱۹۸۳) رتبه نسبی تجارب شرم آزمودنی‌ها نشان داد که شرم نه تنها به میل به پنهان شدن منجر می‌شود، بلکه با میل به تنبیه دیگران نیز مرتبط است. در مطالعه هاردر و لویس (۱۹۸۶) شرم با مقیاس خصومت رابطه مثبت داشت و نهایتاً در چهار مطالعه مستقل بزرگسالان که تانگنی (۱۹۹۲) انجام داد بین استعداد شرم و گرایش به برون‌سازی سرزنش رابطه مثبت پایدار مشخص شد. این برون‌سازی ممکن است از درد حاصل از شرم ناشی باشد، اما نمی‌تواند به کناره‌گیری یا خصومت یا خشم تحقیر شده منجر شود که لویس (۱۹۷۱) و شف (۲۰۰۰) شرح داده‌اند.

پژوهش‌های انجام شده در رابطه با شرم، خشم، پرخاشگری و خصومت

بررسی‌ها نشان داد که در ایران هیچ پژوهشی رابطه این متغیرها را بررسی نکرده یا در

-
1. Berkowitz
 2. Spielberger
 3. Wicker
 4. Harder & Lewis.

صورت بررسی کردن در دسترس نیست. هرچند به متغیر شرم در ایران کمتر توجه شده است، اما پژوهش‌های بسیاری در خارج از کشور رابطه شرم با انواع آسیب‌های روانی را بررسی کرده‌اند که در این جا به چند مورد مرتبط با متغیرهای پژوهش حاضر اشاره می‌شود.

تانگنی و همکاران، (۱۹۹۲) در پژوهشی طی دو مطالعه رابطه شرم و گناه با خشم و پرخاشگری را بررسی کردند. در این پژوهش‌ها به ترتیب ۲۴۳ و ۲۵۲ دانشجوی مقطع لیسانس (با میانگین سنی ۲۱/۲) شرکت داشتند که در مطالعه اول از آزمون عاطفه خود آگاه (TOSCA)، پرسشنامه SCL - 90 و مقیاس خشم صفت و در مطالعه دوم از پرسشنامه خصومت باس و دورکی (نسخه قدیمی پرسشنامه پرخاشگری باس و پری) استفاده شد، نتایج نشان داد که استعداد شرم با انگیزتگی خشم، بدبینی، تنفر، بی‌قراری، گرایش به سرزنش دیگران برای رویدادهای منفی و ابراز غیرمستقیم خصومت رابطه مستقیم داشت و استعداد گناه با برون‌سازی سرزنش و خشم، خصومت و تنفر رابطه معکوس داشت. پژوهش دیگر تانگنی و همکاران (۱۹۹۶)، به منظور بررسی رابطه شرم و گناه با پاسخ‌های سازنده و مخرب به خشم در طی زندگی با نمونه‌ای مشتمل بر ۳۰۲ کودک (۴ تا ۶ ساله)، ۴۲۷ نوجوان (۷ تا ۱۱ ساله)، ۱۶۷ دانشجوی دانشگاه و ۱۹۴ بزرگسال انجام شد، داده‌ها نشان دهنده این بودند که در همه سنین، شرم با پاسخ غیرانطباقی (ناسازگار) به خشم رابطه مستقیم داشت که پرخاشگری مستقیم و غیرمستقیم، خصومت معطوف به خود و پیامدهای منفی طولانی مدت را شامل بود. برعکس، استعداد گناه با غلبه کردن بر خشم، عمل تصحیحی و بحث غیرخصومت آمیز با هدف خشم و پیامدهای مثبت طولانی مدت رابطه داشت. در کودکان، این ابعاد با گناه رابطه مثبت داشت و با شرم مرتبط نبود.

در پژوهشی که فرگوسن^۱ و همکاران، (۲۰۰۰) انجام دادند عامل کلیدی و واسطه رابطه بین شرم - خشم بررسی شد. پژوهش آنها که با دانشجویان کالج (۴۸ مرد و ۸۴ زن با میانگین سنی ۲۰/۴ سال) و با استفاده از آزمون عاطفه خودآگاه ۲ انجام شده بود مشخص شد که عامل جنسیت و هویت ناخواسته^۲ تحریک‌کننده خشم و فراخوان شرم هستند.

1. Ferguson
2. Unwanted identity

کهکی^۱ در پژوهشی در سال ۲۰۰۲، رابطه گناه، شرم، خجالت و خشم را در نوجوانان ژاپنی بررسی کرد. ۳۶۷ آزمودنی به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. نتایج نشان داد که افراد مستعد به احتمال زیاد هر سه هیجان خود - آگاه را تجربه می‌کنند. علاوه بر این، روشن شد که استعداد شرم (شرمزدگی) با رفتار پرخاشگرایانه رابطه مثبت و مستقیم و بحث و جدل با عامل خشم و با بازداری خشم رابطه منفی دارد. از سوی دیگر، استعداد احساس گناه با بحث و جدل رابطه مثبت و با رفتار پرخاشگرایانه رابطه منفی داشت. این نتایج نشان داد که استعداد شرمزدگی با پاسخهای سازگارانه و ناسازگارانه به خشم رابطه دارد، درحالیکه در پژوهش انجام شده در آمریکا، استعداد شرم با پاسخهای سازگارانه باخشم مرتبط نبود، اما در ژاپن به نظر می‌رسد شرم با خشم رابطه داشت و هر دو در سازگاری روانی فرد نقشی مهم دارند (به نقل از کامپونو^۲، ۲۰۰۴).

در پژوهش جاکوپیک^۳ و همکاران (۲۰۰۵) رابطه مردانگی^۴، شرم و ترس از هیجانها، به عنوان پیش‌بینی کننده‌های ابراز خشم و خصومت بررسی شدند. نمونه این پژوهش شامل ۲۰۴ مرد با میانگین سنی ۲۵/۵ سال، بود که در آن از مقیاس کنترل عاطفه، مقیاس استرس نقش جنسیتی مردانه، آزمون عاطفه خودآگاه، پرسشنامه صفت - حالت خشم و پرسشنامه خصومت (باس و پری) استفاده شد. نتایج نشان داد که مردانگی، مستعد شرمزدگی بودن، و ترس از هیجانها ۱۹٪ واریانس خصومت را پیش‌بینی می‌کرد.

ویکر و همکاران (۱۹۸۳) در تحقیق خود دریافتند دو عامل می‌تواند رابطه بین شرم و خشم را تسریع کند. اول اینکه، افراد اغلب در موقع خشم احساس شرمندگی می‌کنند دوم این که خود تجربه شرم، احساس‌های خشم و خصومت معطوف به دیگری را ایجاد می‌کند. پژوهش‌های لويس و شف (۲۰۰۰) نشان داد که درد حاصل از شرم می‌تواند به خشم به خود منجر شود یا به سمت فردی متوجه شود که ناراحتی واقعی یا خیالی او را باعث شده است، لويس این حالت را یک دفاع می‌داند (به نقل از تانگنی و همکاران، ۱۹۹۶).

در رابطه با تجارب شرم با خشم و پرخاشگری در دو جنس، پژوهش‌های متعدد دو

-
1. Kohki
 2. Campano
 3. Jakupcak
 4. Masculinity

هیجان و بروز آنها را بررسی کرده‌اند. پژوهش فرگوسن و همکاران (۲۰۰۰)، لوت‌واک و فراری (۱۹۹۷)، تانگنی و همکاران (۱۹۹۲)، هاردرد و همکاران (۱۹۸۶) و دیگر پژوهشگران نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان شرم را تجربه می‌کنند.

در رابطه با خشم نیز این طور عنوان شده که زنان در طی اجتماعی شدن همه احساسات خود به استثنای خشم را آزادانه بروز می‌دهند. برعکس مردان به نظر می‌رسد به گونه‌ای اجتماعی می‌شوند که بیشتر احساسات خود را سرکوب می‌کنند، اما خشم را بروز می‌دهند (شارکین^۱، ۱۹۹۳) که البته در این میان عامل فرهنگ بی‌تأثیر نیست و می‌تواند قابل بررسی باشد.

داده‌های موجود بر طبق DSM IV نیز از این یافته‌ها حمایت می‌کند که مردان در اختلالاتی مستعد هستند که براساس نمایش نامناسب خشم، همانند اختلال شخصیت ضد اجتماعی، اختلال محتوایی فکر و ... ایجاد می‌شود. برعکس زنان در اختلالاتی مستعد هستند که برپایه سرکوبی خشم، مانند افسردگی، اختلالات شخصیت مرضی و اختلالات خوردن ایجاد می‌شود.

به هر حال تحقیقاتی که برای بررسی نقش جنسیت بر بیان خشم انجام شده نتایجی متفاوت را بیان می‌کند. بعضی از تحقیقات دریافته‌اند که مردان و زنان در بیان خشم، یعنی خشم درونی و بیرونی، تفاوت ندارند (دیلمن^۲، ۲۰۰۳).

سیمون^۳ (۲۰۰۴) نقش شرم را در فرایند نقش جنسی مردانه در اجتماع اینگونه بیان می‌کند که مردان به جای قادر بودن در کنترل حالت‌های شرم تمایل دارند عکس‌العمل‌های خود را به صورت اجتناب، رفتارهای جبرانی و پاسخهای جنگ و گریز نشان دهند.

تحقیقات کیفی انجام شده در این موضوع نیز پیشنهاد می‌کند که مردان از پرخاشگری و خشونت به عنوان راهی برای اجتناب از احساس شرم استفاده می‌کنند.

این ایده که زنان و مردان به طور معناداری در تجربه و بیان خشم متفاوت هستند یکی از مسائل موردنظر در مباحث مشاوره و روان‌شناسی است، اگرچه داده‌های تجربی کمی برای حمایت از آن وجود دارد.

-
1. Sharkin
 2. Dillman
 3. Simon

با توجه به نتایج متناقض تحقیقات ارائه شده و به منظور بررسی رابطه بین شرم باخشم، خصومت و ابعاد گوناگون پرخاشگری در دو جنس فرضیات زیر به منظور بررسی در نظر گرفته شده است.

فرضیه‌های پژوهش:

- ۱- بین شرم و ابعاد پرخاشگری (کلامی، فیزیکی، خصومت، خشم) رابطه وجود دارد.
- ۲- بین شرم در دختران و پسران تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین پرخاشگری فیزیکی در دختران و پسران تفاوت وجود دارد.
- ۴- بین پرخاشگری کلامی در دختران و پسران تفاوت وجود دارد.
- ۵- بین خصومت در دختران و پسران تفاوت وجود دارد.
- ۶- بین خشم در دختران و پسران تفاوت وجود دارد.

روش

طرح استفاده شده در این پژوهش توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش تمامی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های دولتی شهر تهران است، که در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ در دوره کارشناسی مشغول به تحصیل بوده‌اند. در این پژوهش روش نمونه‌گیری، از نوع تصادفی چند مرحله‌ای بوده است. در ابتدا از لیست دانشگاه‌های دولتی به روش تصادفی سه دانشگاه (تهران، شهید بهشتی، تربیت‌معلم) انتخاب شد. سپس، از هر دانشگاه سه دانشکده و از هر دانشکده ۳۰ دانشجوی (۱۵ دختر و ۱۵ پسر) و جمعاً ۲۷۰ نفر به روش تصادفی انتخاب شد. که از این تعداد ۲۰۸ نفر به طور کامل به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

پرسشنامه پرخاشگری (AQ)^۱ باس و پری، (۱۹۹۳).

این پرسشنامه ۲۹ سؤالی ۴ جزء از رفتارهای پرخاشگری از قبیل پرخاشگری فیزیکی و

1. Anger Questionnaire

کلامی، خشم و خصومت را اندازه‌گیری می‌کند. باس و پری پرخاشگری را به عنوان یک ویژگی شخصیتی و مرکب از این چهار جزء می‌شناسند. آنها بیان می‌کنند که پرخاشگری فیزیکی و کلامی جزء رفتاری را معرفی می‌کند و خشم جزء هیجانی و عاطفی و خصومت بیان‌کننده جزء شناختی شخصیت پرخاشگر است. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه پرخاشگری حدود ۰/۸۹ و اعتبار بازآزمایی ۰/۸۰ بوده است.

این آزمون در یک نمونه ۶۱۲ نفری از دانشجویان پسر دوره کارشناسی آمریکا هنجاریابی شده است که میانگین نمره کل برابر ۷۷/۸ و انحراف استاندارد برابر با ۱۶/۵ را داراست و نمونه ۶۴۱ نفری دختران این پژوهش میانگین نمره کل برابر با ۶۸/۲ و انحراف استاندارد ۱۷ دارد. (باس و پری ۱۹۹۲)

نتایج پژوهش دیاموند و ماگالیتا^۱ (۲۰۰۶) و فوساتی^۲ و همکاران (۲۰۰۳) نشان دهنده اعتبار بالا و ثبات درونی در طی زمان بوده است.

در پژوهشی که در اسپانیا گارسالیون^۳ (۱۹۹۹) و دیگران بر دانشجویان رشته روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه جائن^۴ انجام دادند، ثبات درونی چهار عامل و نمره‌های کل تست بین ۰/۷۲ و ۰/۸۹ بود و بازآزمایی تست بین ۰/۷۲ و ۰/۸۰ گزارش شده است. اعتبار این پرسشنامه را در ایران لنگری در سال ۱۳۷۵، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰، به دست آورده است.

در تحقیق حاضر ضریب آلفای به دست آمده برابر با ۰/۷۶ است.

روائی آزمون AQ با استفاده از تست‌های دیگر مانند BDHI^۵ ۰/۷۹ و STAXI^۶ ۰/۵۳ و JASE - H^۷ ۰/۵۱ در تحقیق گارسالیون (۱۹۹۹) به دست آمده که نشان دهنده همبستگی بالای بین این تست‌ها با تست AQ می‌باشد.

-
1. Diamond & magaletta
 2. Fossati
 3. Garcia Leon
 4. Jean
 5. BDHI = Buss-Durkee Hostility Inventory
 6. STAXI - S = Subscale of Anger-State
 7. JASE - H = Jenkins Activity Scale

آزمون عاطفه خودآگاه Tosca^۱

این آزمون از پرکارترین ابزارها در تحقیقات مرتبط با شرم است که جی پی. تانگنی و همکاران آن را در ۱۹۸۹، ساخته‌اند و تاکنون و به زبانهای ژاپنی، هلندی، ایتالیایی و غیره ترجمه شده است. این آزمون را انوشه‌ائی (۱۳۸۵) به فارسی ترجمه کرده است و سپس رئیسی مجدداً آن را به انگلیسی ترجمه کرده و با متن اصلی مطابقت داده است.

آزمون عاطفه خودآگاه ۲ یک پرسشنامه خودسنجی و مداد - کاغذی است که ۱۶ موقعیت (سناریو) از وضعیت‌های فرضی زندگی روزمره را به آزمودنی ارائه می‌دهد و پاسخ‌دهندگان، پاسخهای خود را براساس مقیاس لیکرت از ۱ تا ۵ رتبه‌بندی می‌کنند.

اعتبار این آزمون در تحقیقات مختلف از طریق آلفای کرونباخ به دست آمد که بسیار بالا بوده است. برای مثال می‌توان به نتایج بیبر و هستر^۲ (۱۹۹۶) ۰/۷۹، تانگنی و دیرینگ^۳ (۲۰۰۲) ۰/۸۵، تاپسول^۴ و همکاران (۲۰۰۴) ۰/۷۶، سوتین^۵ و همکاران (۲۰۰۳) ۰/۷۶، (به نقل از احمد پور ۱۳۸۳) اشاره کرد. این ضریب در تحقیق حاضر ۰/۸۵ گزارش شده است. روائی محتوایی آزمون در پژوهش حاضر با استفاده از اساتید رشته مشاوره و روان‌شناسی انجام شد و همه مناسب بودن آن را تأیید کرده‌اند.

یافته‌های پژوهش

از آنجا که این پژوهش توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای است، برای تعیین رابطه متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون و برای تفاوت بین دو جنس از آزمون T و تحلیل واریانس دو راهه استفاده شده است.

-
1. Test of self - conscious Affect-2
 2. Yebyer & Hester
 3. Dearing
 4. Tapsol
 5. Sutins

جدول ۱: جدول ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	شرم	خشم	پرخاشگری کلامی	پرخاشگری فیزیکی	خصوصیت
۱- شرم	۱	۰/۲۶۱**	۰/۰۲۵	۰/۰۵۳	۰/۲۳۲**
۲- خشم		۱	۰/۲۲۵**	۰/۲۵۸***	۰/۳۲۷**
۳- پرخاشگری کلامی			۱	۰/۲۵۳**	۰/۰۴۸
۴- پرخاشگری فیزیکی				۱	۰/۳۰۲**
۵- خصوصیت					۱

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ (۲ دامنه) معنادار است.

همان طور که یافته‌های جدول نشان می‌دهد بین شرم، خشم و خصوصیت همبستگی مثبت معناداری وجود دارد.

بین خشم با پرخاشگری کلامی، فیزیکی و خصوصیت همبستگی مثبت معنادار وجود دارد و خصوصیت با تمامی متغیرهای در نظر گرفته شده به جز پرخاشگری کلامی رابطه مثبت معنادار دارد.

جدول ۲: نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین متغیرهای خشم، شرم، خصوصیت و پرخاشگری فیزیکی و کلامی در میان زنان و مردان:

متغیرها	میانگین‌ها	اختلاف میانگین‌ها	T	سطح معناداری
دختران خشم پسران	۱۹/۷۷ ۱۸/۶۰	۱/۷۷	۱/۸۶۳	۰/۰۶۴
دختران پرخاشگری کلامی پسران	۱۴/۴۸ ۱۵/۲۲	-۰/۷۳۹	-۱/۴۰۳	۰/۱۶۲
دختران پرخاشگری فیزیکی پسران	۱۸/۶۰ ۲۲/۹۰	-۴/۲۹۳	-۴/۸۰۸	۰/۰۰۰
دختران خصوصیت پسران	۲۱/۷۶ ۲۲/۹۰	-۱/۹۰	-۱/۳۴۲	۰/۱۸۱
دختران شرم پسران	۴۸/۳۴ ۴۳/۴۴	۴/۸۹۹	۴/۰۴۴	۰/۰۰۰

df = ۲۰۶

P < ۰/۰۱

همان‌طور که اطلاعات جدول نشان می‌دهد در دو متغیر پرخاشگری فیزیکی و شرم اختلاف هر دو جنس کاملاً معنادار است ($P < 0/01$). البته، در متغیر خشم هم در بین دو گروه تفاوت میانگین‌ها اگرچه معنادار نیست، ولی کاملاً متمایز است.

به منظور مشخص نبودن تأثیر شدت و میزان شرم بر خشم، پرخاشگری و خصومت با توجه به میانگین به دست آمده از نمره‌های شرم افراد به سه گروه تقسیم شده اند: شرم پایین، شرم بالا، شرم متوسط و سپس با استفاده از تحلیل واریانس تفاوت میان دو جنس در هر یک از متغیرها در سطوح مختلف شرم بررسی شد.

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری نمره‌های شرم و جنسیت با کنترل متغیرهای مداخله گر

متغیر	نام آزمون	مقدار	DF فرضیه	df خطا	F	سطح معناداری
شرم	آزمون اثر پیلایی	0/105	8	400	2/768	0/005
	آزمون لامبدای ویلکز	0/897	8	398	2/787	0/005
	آزمون اثر هتلینگ	0/113	8	396	2/805	0/005
	آزمون بزرگترین ریشه روی	0/094	4	200	4/686	0/001
جنس	آزمون اثر پیلایی	0/114	4	199	6/418	0/000
	آزمون لامبدای ویلکز	0/886	4	199	6/418	0/000
	آزمون اثر هتلینگ	0/129	4	199	6/418	0/000
	آزمون بزرگترین ریشه روی	0/129	4	199	6/418	0/000
شرم × جنس	آزمون اثر پیلایی	0/067	8	400	1/742	0/087
	آزمون لامبدای ویلکز	0/933	8	398	1/753	0/085
	آزمون اثر هتلینگ	0/071	8	396	1/764	0/083
	آزمون بزرگترین ریشه روی	0/064	4	200	3/215	0/014

جدول ۴: خلاصه اطلاعات تحلیل واریانس برای بررسی تفاوت میان دو جنس در هر یک از متغیرها

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجموعه مجذورات	F	سطح معناداری
شرم	۱۲۳/۵۷۴	۲	۶۱/۷۸۷	۳/۰۷۴	۰/۰۴۸
جنس	۱۶/۳۱۶	۱	۱۶/۳۱۶	۰/۸۱۲	۰/۳۶۹
تعامل شرم و جنس	۲۸/۸۸۱	۲	۱۴/۴۴۰	۰/۷۱۸	۰/۴۸۹
خطا	۴۰۶۰/۵۶۱	۲۰۲	۲۰/۱۰۲		
کل	۴۲۲۹/۳۳۲	۲۰۷			

بنابراین، با توجه به یافته‌های جدول می‌توان نتیجه گرفت، که در هریک از متغیرها بین سطوح شرم تفاوت معنادار است، اما میان دو جنس و همچنین تعامل شرم و جنس اختلاف معناداری دیده نشد. به منظور پی بردن به چگونگی اختلاف از تست تعقیبی توکی استفاده شد.

جدول ۵: بررسی مقایسه‌های چند گانه بین سطوح شرم و متغیرهای خشم و خصومت

متغیر وابسته شرم	اختلاف میانگین‌ها	خطای استاندارد	سطح معناداری	
			فاصله اطمینان	حد پایین / حد بالا
خشم	متوسط کم	۰/۲۳	۰/۹۵۰	-۱/۵۸ / ۲/۰۵
	زیاد	*۲/۶۰	۰/۰۲۱	-۳/۸۷ / ۰/۲۶
	متوسط کم	-۰/۲۳	۰/۹۵۰	-۲/۰۵ / ۱/۵۸
	زیاد	*۲/۳۰	۰/۰۰۷	-۴/۰۷ / -۰/۵۲
خصومت	کم	۲/۰۶*	۰/۷۶۴	۰/۲۶ / ۳/۸۷
	متوسط	*۲/۳۰	۰/۷۵۳	۰/۵۲ / ۴/۰۷
	متوسط کم	-۰/۵۷	۰/۷۱۰	-۲/۲۶ / ۱/۱۳
	زیاد	*-۱/۶۹	۰/۰۴۸	-۳/۳۷ / -۰/۰۱
خصومت	کم	۰/۵۷	۰/۷۱۰	-۱/۱۳ / ۲/۲۶
	زیاد	*-۱/۱۳	۰/۲۴۵	-۲/۷۲ / -۰/۵۳
	کم	۱/۶۹*	۰/۷۱۲	۰/۰۴۸ / ۳/۳۷
	متوسط	۱/۱۳	۰/۷۰۱	-۰/۵۳ / ۲/۷۸

از یافته‌های جدول نتیجه می‌گیریم با افزایش میزان شرم میزان خشم و خصومت نیز افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه گیری

در سالهای اخیر به دلیل نقش بنیادی و مهم شرم و خشم در مراحل رشد طبیعی و مرضی و ایجاد آسیب‌های روانی در افراد، علاقه بسیاری از متخصصان و پژوهشگران برای بررسی و پژوهش درباره این دو هیجان افزایش یافته است. پژوهش حاضر با استفاده از روش همبستگی رابطه بین شرم، خشم، خصومت و پرخاشگری را بررسی کرده است. بنابراین، یافته‌ها نمی‌توانند مستقیماً به علت این حالت‌های هیجانی اشاره داشته باشند. همبستگی مثبت مشاهده شده بین شرم و خشم می‌تواند دو فرایند متمایز یا ترکیبی از هر دو باشد. همانگونه که میلر در سال ۱۹۸۵ نشان می‌دهد یک امکان این است که وقتی فردی خشمگین می‌شود از این خشم شرمگین می‌شود. خصوصاً اگر این حالت به رفتارهای پرخاشگرانه و خصومت‌آمیز نسبت به دیگران منجر شود.

این ارتباط بین شرم و خشم در سایه این حقیقت وجود دارد که آمادگی برای شرم به طور پایدار با نشانه‌های بیداری خشم و یک خصومت غیرمستقیم مرتبط است و با اندازه‌گیری پرخاشگری فیزیکی و کلامی مرتبط نیست با وجود این ممکن است افرادی این اعتقاد را داشته باشند که خشم ابراز شده یا ابراز نشده به صورت اجتماعی و اخلاقی نامقبول بوده و بنابراین، به شرمگینی منجر می‌شود.

نظر دوم که پژوهشگران جدید بیان کرده‌اند و نسبت به نظر قبلی مطلوب‌تر است عبارت است از اینکه احساس اولیه شرم به خشم و خصومت منجر می‌شود، این چنین ارتباط بین شرم و خشم با مشاهدات بالینی (رتزینگ^۱، ۱۹۸۷، کیزتن^۲، ۱۹۸۷، لویس^۳ ۱۹۷۱ به نقل از لانسکی ۲۰۰۵) هماهنگ است و تحقیقات تجربی دیگر پیشنهاد می‌کنند که خشم، هیجانی منفی بوده و به طور خاص با تهدید برای اعتماد به نفس فرد شروع می‌شود (آوریل، ۱۹۸۲). فقدان اعتماد به نفس حتی اگر موقتی باشد به شرم منجر می‌شود، که نهایتاً خشم غیرمتمرکز و خصومت را به همراه دارد. تحقیق جاکوپیک و همکاران (۲۰۰۵) به روشنی نشان می‌دهد که بین شرم با پرخاشگری و خشم در مردان رابطه وجود دارد.

یافته‌های به دست آمده در تحقیق حاضر با تحقیقات تانگنی و دیگران (۱۹۹۲) فرگوسن -

1. Retzing
2. Kinston

ایرو اشباکر (۲۰۰۰) هماهنگ است که همه بر روابط مثبت بین شرم و خشم تأکید می‌کنند. نتیجه پژوهش حاضر درباره رابطه خشم با پرخاشگری کلامی، فیزیکی و خصومت نیز کاملاً مثبت و معنادار است. هم مردان و هم زنان از خشم خود شرم‌منده هستند اگر چه به طور متفاوت خشم را تجربه می‌کنند. تحقیقات در حال اجرا، نشان می‌دهد که مردان خشم خود را به صورت بیرونی نمایش می‌دهند و زنان تربیت شده‌اند که خشم خود را فرو برند. در حقیقت، خشم در مردان به عنوان یک ویژگی مردانه تلقی شده و اکثراً به صورت فیزیکی آن را نشان می‌دهند و زنان معمولاً این پیام را دریافت می‌کنند که ابراز خشم ناپسند و غیرزنانه است. بنابراین، خشم خود را به صورت خودخوری یا غیبت کردن‌های تجربی نشان می‌دهند (به نقل از دیلمن، ۲۰۰۳).

به هر حال، همه این مطالعات نشان می‌دهند که در بیان خشم اختلاف وجود دارد و اگرچه در نمره‌های کل خشم میان زنان و مردان تفاوتی وجود ندارد، اما در نحوه و چگونگی ابراز خشم تفاوت دیده می‌شود. مردان در پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری منفعلانه و تحریک‌پذیر نمره‌های بالاتری دارند، زنان از سوی دیگر خشم طولانی‌تری را تجربه می‌کنند، رنجیده‌تر هستند و به ابراز خشم خود تمایل کمتری دارند.

اختلاف دیده شده در تحقیق حاضر درباره تفاوت‌های جنسیتی بسیار جالب توجه است و از این ایده حمایت می‌کند که مقیاس‌های فردی، اطلاعات دقیق‌تری نسبت به کل نمره در اختیار می‌گذارند. مردان از نظر فیزیکی پرخاشگرتر از زنان بوده و همچنین از نظر میزان شرم نیز میان دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد که این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های فرگوسن و همکاران (۲۰۰۰)، لوت واک و همکاران (۱۹۹۷) تانگنی و همکاران (۱۹۹۲)، هاردن و همکاران (۱۹۸۶) هماهنگ است، اما نمره خشم در کل بین دو گروه تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهد. این یافته‌ها با نتیجه پژوهش کاکس و استاب هماهنگ است، که نشان می‌دهد هیچ اختلاف معناداری میان دختران و پسران در تجربه خشم وجود ندارد. در تحقیق جسیکا کامپونو (۲۰۰۴) درباره رابطه بین خشم و پرخاشگری در دانش‌آموزان فیلیپینی نشان داده شده که هیچ اختلاف معناداری میان زنان و مردان در میانگین نمره‌های خشم وجود ندارد، اما در نمره‌های پرسشنامه ارزیابی معلمان از پرخاشگری دانش‌آموزان اختلاف مشاهده می‌شود که به ادراک معلمان درباره بیشتر مردانه بودن تا زنانه بودن پدیده پرخاشگری برمی‌گردد.

نتایج تحقیق گارسیا- لیون (۱۹۹۹) در اسپانیا، نشان داد که مردان هم در پرخاشگری فیزیکی و هم در پرخاشگری کلامی نسبت به زنان نمره‌های بالاتری داشته‌اند، اما نمره‌های زنان در خشم و رنجیدگی بالاتر بوده است. این نتیجه با تحقیق باس و پری (۱۹۹۲) نیز همسوست که نشان می‌دهد بین دو جنس در هر دو نوع پرخاشگری (فیزیکی و کلامی) تفاوت معنادار وجود دارد.

از نظر خصومت، اگر چه تفاوت بین میانگین‌ها تقریباً جالب توجه است، اما نشان دهنده تفاوت معنادار نیست. این مسأله نشان دهنده این است که شاید زنان ایرانی به دلیل مسائل تربیتی و آموزشی در فرو بردن خشم خود سعی می‌کنند و آن را به صورت کلامی نشان می‌دهند. این نتیجه با نظر بومن (۲۰۰۳)، هماهنگ است مبنی بر اینکه قوانین و فشارهای اجتماعی بر زنان و مردان به طور متفاوت در ابراز خشم اثر می‌گذارند. بدین ترتیب که مردان تقریباً از ابراز هیجانات ممانعت می‌شوند، اما زنان به طور انتخابی بعضی از هیجانات مثل خشم را ابراز می‌کنند.

به هر حال محدودیت‌های این یافته‌ها را باید در تعمیم آن جستجو کرد. این تحقیق در گروه نمونه دانشجویی انجام شده و احتمال دارد این گروه به دلیل قرار گرفتن در محیط دانشگاهی و کسب مهارت‌های اجتماعی در کنترل خشم خود توانایی بیشتری داشته باشند. از آنجا که بنا بر تحقیقات انجام شده ارتباط بین شرم و خشم در افرادی متفاوت است که از ناهنجاریهای رفتاری رنج می‌برند، بنابراین، پیشنهاد می‌شود در ابتدا تست سلامت روان در جمعیت نمونه و سپس ارتباط این دو متغیر در گروه دارای سلامت روان انجام شود.

قدردانی

* از سرکار خانم مریم انوشه‌ئی سپاسگزاری می‌شود که در اجرای این طرح همکاری داشته‌اند

منابع

- انوشه‌ائی، مریم، (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین ادراک دختران از الگوهای تربیتی والدینشان و احساس شرم و گناه در آنها، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه الزهراء(س).
- احمدپور، آزاده، (۱۳۸۴). ساخت و هنجاریابی پرسشنامه شرم و گناه دانشجویان دانشگاههای دولتی شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- رافضی، زهره، (۱۳۸۳). نقش آموزش کنترل خشم به نوجوانان دختر ۱۸-۱۵ ساله در کاهش پرخاشگری، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- لنگری، محمدرضا، (۱۳۷۵). مقایسه میزان پرخاشگری دانش آموزان پسر مهاجر و غیر مهاجر سال اول متوسطه دبیرستان‌های شهر بجنورد، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم.
- مختاری، فاطمه، (۱۳۸۰). هنجاریابی مقدماتی پرسشنامه بروز خشم حالت - صفت اسپیلبرگر شماره ۲ روی دانشجویان ۲۹-۲۰ ساله دانشگاه اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه تربیت معلم .

- Averill, J.R, (1982). *Anger and Aggression : An essay on emotion*, New York, Springer-erlag.
- Barr, P, (2003). *Guilt , Shame and grief: empirical Study of Parental bereavement* . A thesis Submitted of fulfillment of the requirement for the degree of Doctor of philosophy, University of Sydney , Australia.
- Berkowitz ,L, (1989). Frustration- aggression hypothesis: examination and reformulation, *Psychological Bulletin*, 106, 59-73.
- Boman, P, (2003). Gender differences in school anger, *International Education Journal*, Vol4,no2.
- Buss, A.H & Perry, M, (1992). The Aggression Questionarie, *Journal of Personality and Social Psychology*, 63, 452- 459.
- Campano,J,P,(2004), *Department of Health Education,institute of mental health and sport science*, University of Tsubka, Japan.
- Diamond,P.M & Magaletta,P.R,(2006). The Short-Form Buss and Perry Agression Questionnaire (BPAQ-SF), *Assessment Journal*,vol.3,227-240.
- Dillman, M, (2003). Anger Across the Gender Divide. *Monitor on Psychology*. Vol 34. No. 3.
- Felston,G & Hill,V, (1999). Aggression Questionaire, hostility Scale predicts anger in response to mistreatment, *Behavior Research & Therapy*, No.37.pp

87-97.

- Ferguson, T., Eyre, H. & Ashbaker, M. (2000). Unwanted identities: A key variable in shame-anger link and gender differences in shame, *sex roles*, 42, 133.
- Fossati, A. & Maffei, G. (2003). Multigroup Confirmatory Component and Factor Analysis of The Italian version of The Aggression Questionnaire, *European Journal of Psychological Assessment*, 19, 54-65.
- Gilbert, P., Pehl, J. & Allan, S. (1994). The Phenomenology of Shame and Guilt : An empirical investigation, *British Journal of Medical Psychology*, 67, 23-36.
- Gilbert, P. & Miles, J. (2000). Sensitivity to put -down; its relationship to perception of social rank, shame, social anxiety, depression anger and self-other blame, *Personality and Individual Differences*, 29, 757-774.
- Garcia - Leon. A. (1999). The aggression Questionnaire: A validation Study in Student Samples, *The Spanish Journal of Psychology*, May, Vol 5, no. 001.
- Harder, D.W. & Lewis, S. J. (1986). The assessment of Shame and guilt. *Advances in personality assessment* (Vol.6, PP.89-114), Hillsdale, Ns: Erlbaum.
- Jakupcak, M., Tull, M. & Roemer, L. (2005). Masculinity, shame, and fear of emotions as predictors of men's expressions of anger and hostility, *Psychology of Men and Masculinity*, vol.6.no.4. 275-284.
- Kaufman, G. (1989). *The Psychology of Shame*, New York, Springer .
- Lansky, M.R. (2005). Hidden shame, *Journal of the American psychological Association*, Vol. 53.No.3.pp.865-890.
- Lewis, M. (2000). Self- Conscious emotions : Embarrassment , Pride, shame, and Guilt, *Hand book of emotions* (2nd ed, PP. 623-636), New York, Gilford.
- Lewis, H.B. (1971). *Shame and Guilt in neurosis*, New York, international University Press.
- Lutwak, N. & Ferrari, J.R. (1997). Understanding Shame in adults: retrospective Perceptions of parental bonding during childhood, *The Journal of nervous and mental disease*, 185(10), 505-598.
- Mills, R. (2005). Taking stock on the development literature on shame, *Developmental Review*, no. 25, pp 26- 63.
- Miller, S. (1985). *The Shame experience*, Hillsdale NS, Erlbaum.
- Murnen, S.K. & Wright, C. (2002). If "boys will be boys" then the girls will be victim? *Sex Roles*, 46, 359-375.
- Simon, R.W. & Leda, E.N. (2004). Gender and emotion in the United States: Do men & women differ in self reports of feelings & expressive behavior, *American Journal of Sociology*, vol.109.no.5.
- Sharkin B .S. (1993). Anger and gender: Theory, research and implications, *Journal of counseling and Development*, 71(4), 386-389.
- Spielberger, C.D. (1991). State- Trait Anger Expression Inventory, *Odessa. FL: Psychological Assessment Resources*. 1995-25-36.
- Scheff, T. J. (2000). Shame and Social bond: a sociological theory, *Sociological theory*, 18(1).

- Tangney. J.P, Miller, R.S, Flicker, L & Barlow. D.h, (1996). Are Shame , Guilt and embarrassment distinct emotion?, *Journal of personality and Social Psychology*, 70, 1256- 1269.
- Tangney. J.P & Dearing, R. L,(2002). *Shame and Guilt*, New York, Guilford.
- Tangney, J.P, Wagner & Gramzow, R, (1992). Shamed into anger? The relation of Shame and Guilt to anger and self- reported aggression, *Journal of Personality and Social Psychology*, 62. 669- 673.
- Wicker, F.W, Payne, G.G & Morgan, R.D, (1983). Participant descriptions of guilt and shame, *Motivation and emotion*, 7, 25-39.